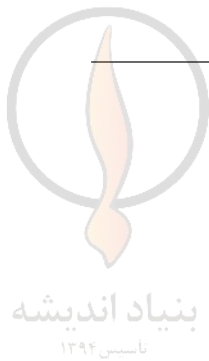


نقش مرجعیت بر هویت و عدالت در افغانستان



□ محمد علی حامدی

مقدمه

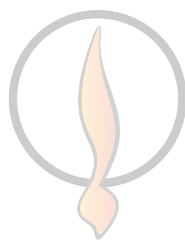
متمادی به عنوان زعیم آن مرکز علمی بزرگ، محوریت جویندگان علم و معرفت دینی را به عهده داشت. پس از آن که حوزه علمی نجف با استقرار حاکمیت بعثی رو به افول گذاشت و از رونق علمی باز ماند، در مرور زمان حوزه علمی قم جایگاه حوزه نجف را در جهان اسلام و جهان تشیع پر کرد و در زمان معاصر به عنوان مرکز اصلی دانشجویان فراگیری علوم اسلامی از سراسر جهان، نقش ایفا می کند و مورد توجه علاقه مندان به فراگیری علوم اسلامی و معارف دینی است.

بخشی از دانشجویان این حوزه ها را داوطلبان فراگیری علوم دینی از افغانستان تشکیل می داد و

پیشینه مرجعیت در حوزات علمی شیعی توأمان با تاریخ پیدایش آن است. این دو درهم تنیده و غیرقابل انفکاک است. حسب گواهی تاریخ حوزات علمی شیعی، آغاز پیدایش آن به عصر ائمه معصومین بر می گردد؛ اما آن چه که به عنوان حوزه علمی به صورت رسمی در تاریخ ثبت و پیدایش آن درج شده است و به صورت مراکز علمی آکادمیک در اذهان قابل تصور است؛ حوزه های علمی نجف و قم است. حوزه علمی نجف با مهاجرت شیخ طوسی از بغداد به نجف و اقامت وی در آن شهر گره خورده است. ایشان سالهای



احساس اعتماد به نفس دارد؟» (شرفی، ۱۳۷۰: ۱۸۱). در جوامع سنتی و پیشامدرن، هویت امر مسئله مهمی نبود؛ طبیعت آدمی به عنوان آفریده خداوند، امری ثابت، از پیش روشن و استوار بود. به گفته هایدگر: «آدمی به عنوان یک آفریده خداوند، یا خدایان دیده می‌شد و هویت او کارکرد یک نظام مقتدر از پیش تعیین شده باورهای دینی و آیینی اسطوره‌های بود» (احمدی، ۱۳۸۷: ۳۹). «به همین دلیل در ساختار جوامع سنتی پیشامدرن، بحرانی به نام بحران هویت گریبانگیر انسان‌ها نبود؛ اما با عبور جامعه بشری از ساختار پیشامدرن و سنتی به جامعه مدرن، این بحران بروز کرد، بحث هویت آدمی را به یکی از موضوعات مهم و اساسی مبدل ساخته است» (شاه آبادی و ابراهیم آبادی، ۱۳۹۰: ۲۰۸). بحث از هویت زیر مجموعه‌های متعدد چون هویت اجتماعی، هویت قومی، هویت فرهنگی، هویت اجتماعی را شامل می‌شود؛ اما به دلیل محدودیت، جای بحث از همه عناوین، امکان پذیر نیست. بر اساس اولویت و تناسب موضوع بحث ما، توضیح و شرح هویت اجتماعی و هویت ملی لازم و ضروری به نظر می‌رسد.



در جوامع سنتی و پیشامدرن، هویت امر مسئله مهمی نبود؛ طبیعت آدمی به عنوان آفریده خداوند، امری ثابت، از پیش روشن و استوار بود. به گفته هایدگر: «آدمی به عنوان یک آفریده خداوند، یا خدایان دیده می‌شد و هویت او کارکرد یک نظام مقتدر از پیش تعیین شده باورهای دینی و آیینی اسطوره‌های بود»

می‌دهد که آن‌ها همواره به عنوان نیروی حاشیه‌ای و بدون نقش در آن مراکز علمی حضور داشته‌اند. با اعلام مرجعیت مرحوم آیت الله العظمی محقق کابلی جمعیت قابل توجهی شاگردان حوزه علمیه، دارای هویت مستقل مانند دیگر ملیت‌ها شدند و با داشتن یک مرجع تقلید به قطبی از حوزه علمیه تبدیل شدند. به تعبیر دیگر اعلام مرجعیت دینی توسط مرحوم کابلی فتح باب و سرآغاز هویت جدید برای اتباع افغانستان در حوزه‌های علمیه محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: هویت، هویت ملی، هویت اجتماعی، عدالت، مرجعیت، وجوهات شرعیه، هویت مذهبی، حوزه علمیه.

تعریف هویت

هویت بحث مهم در حوزه علوم اجتماعی است که نگرش هر فرد را در محیط زندگی شخصی و اجتماعی اش تعیین می‌کند. هویت شخص به لحاظ روانی تعیین‌کننده جایگاه فرد در جامعه است. هویت یابی، کنشگر اجتماعی را قادر می‌سازد تا برای پرسش‌های بنیادی معطوف به کیستی و چیستی خود پاسخ مناسب و قانع‌کننده‌ای پیدا کند. در میان موضوعات متعدد اجتماعی، «هویت» از اولویت خاصی برخوردار است که پرداختن به آن می‌تواند به پرسش‌های چندی پاسخ مناسبی ارائه دهد. من کیستم؟ ما کیستیم؟ از پرسش‌های اساسی در جامعه‌اند و پرداختن به هویت تلاش مناسبی برای ارائه پاسخ به این کیستی است.

به نظر گافمن در معنای جامعه‌شناختی: «این مفهوم، هویت، کوشش فرد به منظور تحقق یکتایی خویشتن در شرایطی است که در حال شکل دادن به رفتار خویش است» (ساروخانی، ۱۳۵۷: ۴۸). اریک اریکسون که نام او پیوند عمیقی با هویت دارد می‌نویسد: «هویتی که فرد در صدد است تا به طور روشن با آن مواجه شود، این است که او کیست؟ نقشی که او باید در جامعه ایفا کند چیست؟ آیا یک کودک است یا بزرگ سال؟ آیا او توانایی آن را دارد که روزی به عنوان همسر یا پدر یا مادر باشد؟ آیا او

هویت ملی

هویت ملی به معنای هویت جمعی و احساس همبستگی عاطفی مردمان یک سرزمین است که نسبت به آن احساس همبستگی می‌کند. هویت ملی در کشاکش تصور خود از دیگران شکل می‌گیرد. شکل‌گیری احساس خودی نسبت به دیگران به نام هویت ملی در آغاز در اروپا شکل گرفت و سپس در اواخر قرن نوزدهم به مشرق زمین و سرزمین‌های دیگر راه یافت؛ اما در واژگان علوم اجتماعی هویت ملی از ساخته‌های نیمه‌دوم قرن کنونی است که به جای «خُلُق و خوی ملی» (کاراکتر ملی) که از مفاهیم عصر تفکر رومانتیک بود، رواج گرفت. هویت ملی یک پدیده پیچیده اجتماعی است و هم بار عاطفی سنگینی دارد. هویت ملی همچون دیگر پدیده‌های اجتماعی، مقوله تاریخی است که در سیر حوادث تاریخی پدیدار می‌شود، رشد می‌کند، دگرگون می‌شود و معانی گوناگون و متفاوت پیدا می‌کند. ابتدا تصور ملت پیدا می‌شود و آنگاه خود ملت پدید می‌آید. در دهه پایانی قرن کنونی نیز ما شاهد هیجان ملی اقوام بسیاری هستیم که می‌خواهند از به هم بستن عوامل قومی و زبانی،

دولت ملی و ملیت مستقلی برای خود ایجاد کنند. هویت ملی که بر پایه رویارویی «ما» با «دیگران» بنیاد می‌گیرد، هم می‌تواند نیرویی سازنده باشد و هم می‌تواند به نیرویی ویرانگر بدل شود. احساس هویت ملی اگر در حد اعتدال قرار گیرد و از یک معیار معقول برخوردار باشد، می‌تواند نیرویی برای همیاری و اعتلای فرهنگی باشد و اگر به قلمرو تعصبات ملی و قومی و نژادی وارد شود به یک نیروی ویرانگر بدل خواهد شد که زاینده دشمنی و ستیزه‌جویی است. هویت ملی پس از شکل‌گیری ملت به معنای امروزی آن پدید آمد. در دوران قدیم که مردم در اجتماعات کوچک محلی زندگی می‌کردند، رابطه طائفه‌ای، اساس روابط اجتماعی را تشکیل می‌داد.

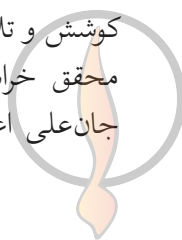
هویت اجتماعی

«هویت دارای ابعاد و جنبه‌های متفاوتی است. مهم‌ترین بعد هویت، بعد اجتماعی است که بر سایر ابعاد هویت حاکمیت و تأثیر دارد. در واقع هویت به هر شکلی که تجلی کند، آن جلوه مستقیماً یا غیرمستقیم، اجتماعی خواهد بود» (الطائی، ۱۳۷۸: ۶۲). برای درک این مفهوم باید به این نکته مهم توجه داشت که هویت اجتماعی در گروه شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، اولاً جامعه از روابط افراد و در درون گروه‌های مختلف تشکیل شده است. ثانیاً فرد باید به یک خود آگاهی نسبت به نقش و پایگاه و اهمیت خود در میان گروه و نیز به یک آگاهی نسبت به سایر گروه‌ها دست یابد تا هویت جمعی او شکل گیرد. بنابراین عنصر خود آگاهی در بعد اجتماعی هویت، نقش مهمی دارد. البته عوامل مختلفی در تشکیل هویت جمعی مؤثر هستند که برخی از آن‌ها عبارتند از: خانواده، زبان، دین، زادگاه، شغل، سن، جمعیت، ایدئولوژی، ملیت و قومیت، تاریخ گذشته، خود آگاهی و خود یابی است. با عنایت به این عناصر، می‌توان هویت گروهی را چنین تعریفی کرد: «هویت مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان است که بر یگانگی یا همانندی اعضای آن دلالت

هویت ملی به معنای هویت جمعی و احساس همبستگی عاطفی مردمان یک سرزمین است که نسبت به آن احساس همبستگی می‌کند. هویت ملی در کشاکش تصور خود از دیگران شکل می‌گیرد. شکل‌گیری احساس خودی نسبت به دیگران به نام هویت ملی در آغاز در اروپا شکل گرفت و سپس در اواخر قرن نوزدهم به مشرق زمین و سرزمین‌های دیگر راه یافت؛ اما در واژگان علوم اجتماعی هویت ملی از ساخته‌های نیمه‌دوم قرن کنونی است که به جای «خُلُق و خوی ملی» (کاراکتر ملی) که از مفاهیم عصر تفکر رومانتیک بود، رواج گرفت.



شد که امتیاز مرجعیت مذهبی به ملت و کشوری خاصی اختصاص ندارد؛ بلکه هرکسی اگر چنانچه شایستگی و شرایط آن را داشته باشد می‌تواند این جایگاه را تصاحب کند. این تصور که در آغاز به یک رؤیا بیشتر شبیه بود، در مرور زمان به یک باور تبدیل شد؛ هرچه زمان می‌گذشت این حرکت به خود واقعیت عینی می‌گرفت. مصداق پیدا کردن تئوری مرجعیت در عالم واقعیت برای شیعیان افغانستان تأثیرات مثبت به همراه داشت. جامعه شیعی افغانستان هویت جدیدی برای خود پیدا می‌کرد، هویت مذهبی مستقل، خودباوری و درحقیقت سرمایه اجتماعی بزرگ اعتماد را به دست می‌آورد. پیدا کردن هویت جدید و اعتماد به نفس اجتماعی بیش از پیش سبب شد که به حمایت اقتصادی و سیاسی مرجع تقلید جدید الظهور مرحوم حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی کمر همت ببندد. از نظر فرهنگی نیز که جبهه فرهنگ و مطبوعات جامعه هزاره در قالب حزب وحدت را استاد دانش معاون ریاست جمهوری اسلامی افغانستان که در آن زمان از ایشان به امپراطور رسانه و مطبوعات نیز تعبیر می‌شد، رهبری می‌کرد و در تحقق بخشیدن مرجعیت ایشان، نقش اساسی ایفا می‌کرد. علمای بزرگ که یک عمر درد محرومیت و تبعیض را با جان خریده بود نیز از هرگونه کوشش و تلاش دریغ نکردند. سخنوران چون آیت الله محقق خراسانی، استاد خطیبی یکه‌ولنگی، شیخ جان‌علی اعتمادی معروف به اعتمادی هزاره‌ها، از



می‌کند و آن را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه، از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آن‌ها متمایز می‌سازد.» (همان: ۱۳۹)

تأثیر متقابل هویت و مرجعیت در افغانستان

افغانستان کشوری کثیر المللیت با اقوام مختلف، زبان‌های متعدد و گویش‌های متنوع است که در واقع یک بافت اجتماعی ناهمگن را تشکیل می‌دهد؛ جامعه‌ای با ساختار موزاییکی و متشکل از نژادهای قومی متعدد و مذاهب گوناگون. در میان مذاهب مختلف مهم‌ترین آن به ترتیب اکثریت نخست مذاهب چهارگانه اهل سنت و سپس شیعه دوازده امامی پیروان بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد. شیعیان افغانستان به دلیل وابستگی مذهبی به حوزه‌های علمیه نجف و سپس حوزه علمیه قم، همواره نگرش‌های مذهبی خود را از آن مراکز علمی - مذهبی اخذ می‌کردند که اگرما هویت مذهبی را یکی از مؤلفه‌های تشکیل دهنده هویت بدانیم، بدون تردید شیعیان افغانستان دارای هویت مستقل مذهبی نبوده‌اند. شاید می‌توان گفت فاقد هویت و یا حداکثر دارای یک هویت تابع و وابسته بوده است که به دلیل وابستگی شدید مذهبی به مراجع حوزه‌های علمیه نجف و قم، تا سال‌های متمادی جرئت استقلال‌خواهی مذهبی درحوزه دینی را نیز به خود نمی‌دادند. پس از پیروزی انقلاب و تحول در رشد فکری مردم و جامعه از یک سو، جسارت و جرئت شهید وحدت ملی، عبدالعلی مزاری نسبت به ایجاد هویت جدید مذهبی برای شیعیان افغانستان از سوی دیگر، راه و مسیر ایجاد هویت مذهبی مستقل را باز کرد و اعلام مرجعیت از بطن جامعه شیعی افغانستان برحسب نیاز جدی جامعه ترسیم شد.

اعلام مرجعیت آیت الله العظمی محقق کابلی از اقبال عمومی برخوردار شد. بی بی سی فارسی به نقل از بصیر احمد دولت‌آبادی می‌نویسد: «مرجعیت مذهبی آیت الله قربان‌علی محقق کابلی که از میزان وابستگی مذهبی هزاره‌های شیعه می‌کاست، توسط رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان حمایت گردید» (ایوبی، ۱۳۹۳: بی بی سی). در مدت زمان اندکی این باور ایجاد

احساس هویت ملی اگر در حد اعتدال قرار گیرد و از یک معیار معقول برخوردار باشد، می‌تواند نیرویی برای همیاری و اعتلای فرهنگی باشد و اگر به قلمرو تعصبات ملی و قومی و نژادی وارد شود به یک نیروی ویرانگر بدل خواهد شد که زاینده دشمنی و ستیزه‌جویی است.

در حوزه‌های علمیه شیعی با انتشار رساله‌های عملیه اعلام وجود کرده‌اند.

تعریف عدالت

عدالت در لغت به معنای داد کردن، دادگر بودن، انصاف داشتن، دادگری و در جای دیگری آمده است: «نهادن هر چیزی به جای خود»، «حد متوسط میان افراط و تفریط در قوای درونی»، اما عدالت اجتماعی عدالتی است که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند» (معین، ۱۳۶۲: ۲۲۷۹). برتراند راسل در تعریف عدالت این گونه می‌گوید: «عدالت عبارت از هر چیزی است که اکثریت مردم آن را عادلانه بدانند یا عبارت از نظامی است که آن چه را که به تصدیق عموم، زمینه‌هایی برای نارضایتی مردم فراهم می‌کند به حداقل برساند» (حکیمی، ۱۳۷۶: ۴۴).

عدالت بحث دامنه‌دار به درازای تاریخ حیات بشر است. همواره از رفتارهای توأم با رفتار انسانی، مهر، عطوفت و توازن اجتماعی و متناسب و درخور شأن هر فرد به تناسب استحقاق او در جامعه را عدالت می‌گوید. عدالت دارای جاذبه‌ای فطری است و نزد وجدان عمومی بشریت، ارزش گرانقدر دارد؛ زیرا در سایه عدل، هرکسی به حق خویش می‌رسد، تعدی و تجاوز از جامعه رخت برمی‌بندد و امنیت و آرامش بر همه جا حاکم می‌شوند. به همین جهت مردم، بی‌عدالتی را نکوهش می‌کنند و عدالت را می‌ستایند. یکی از ویژگی‌های بارز انسانها، حس عدالت‌خواهی و عدالت‌طلبی آنها است. رفتارهای غیرعادلانه تاریخی به درازای تاریخ، حیات حوزات علمیه شیعی در مصرف بیت‌المال و وجوهات شرعی در افغانستان وجود داشته است. معطوف به تعریف فوق از عدالت، نقش مرجعیت در توزیع عادلانه وجوهات شرعی در افغانستان محسوس و غیرقابل انکار است.

نمونه‌های مثال زدنی است که در آن شرایط در راستایی هویت‌یابی مذهبی مردم خود از هیچ‌گونه تلاش دریغ نمی‌ورزید؛ با تلاش همه جانبه:

۱. حمایت سیاسی رهبر شهید عبدالعلی مزای؛
 ۲. حمایت فرهنگی در عرصه مطبوعات و رسانه با مدیریت استاد دانش؛
 ۳. حمایت علما و قشر تحصیل کرده؛
 ۴. حمایت مردمی، با تقویت روحیه خودباوری و اعتماد به نفس عمومی برای جامعه؛
- ایده مرجعیت برای جامعه شیعی افغانستان، از یک رؤیا به یک حقیقت تبدیل شد و مرحوم آیت العظمی محقق کابلی با انتشار رساله عملیه خود، مرجعیت خود را تثبیت کرد.

نخستین مرجع شیعی در افغانستان متقابلاً برای جامعه پیامدهای مثبت را نیز به ارمغان آورد از جمله: حس خودباوری را برای جامعه شیعی افغانستان هدیه کرد. پس از رحلت ایشان مراجع متعدد اعلام مرجعیت کردند، جرئت و جسارت و اعتماد به نفس را پیدا کردند و به این باور رسیدند که مسند مرجعیت به قوم و ملیت خاص دون ملیت و قوم دیگری اختصاص ندارد؛ بلکه یک جایگاه مذهبی است که صرفاً شایستگی و واجد شرایط بودن را می‌طلبد. به برکت همین ایده خودباوری، اکنون مراجع متعدد از شیعیان افغانستان

عدالت دارای جاذبه‌ای فطری است و نزد وجدان عمومی بشریت، ارزش گرانقدر دارد؛ زیرا در سایه عدل، هرکسی به حق خویش می‌رسد، تعدی و تجاوز از جامعه رخت برمی‌بندد و امنیت و آرامش بر همه جا حاکم می‌شوند. به همین جهت مردم، بی‌عدالتی را نکوهش می‌کنند و عدالت را می‌ستایند.

نقش مرجعیت بر توزیع عادلانه وجوهات شرعی در افغانستان

یکی از پیامدهای مثبت اعلام مرجعیت توسط مرحوم حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی برای جامعه شیعی در افغانستان این بود که وجوهات شرعی و بیت المال با نظارت و دقت بیشتری در موارد خودش به مصرف می‌رسد. قبل از آن به دلیل بعد مکانی مراجع حوزات علمیة نجف و قم در افغانستان، عمدتاً از طریق وکلاء مراجع وجوهات شرعیة جمع‌آوری و توسط آن‌ها به دفاتر مراجع عظام منتقل می‌شد. تاریخ شفاهی گواهی می‌دهد که این کار به صورت دقیق و عادلانه صورت نمی‌گرفت؛ زیرا نظارت دقیق از طرف مراجع امکان‌پذیر نبود و همین امر خود سبب می‌شد که بیت‌المال اولاً به صورت دقیق و درست جمع‌آوری شده به دفاتر مراجع منتقل نشود؛ بلکه بیشتر توسط وکلاء حیف و میل می‌شد، ثانیاً نیازها و اولویت‌های موارد مصرف وجوهات شرعیة در جامعه افغانستان، توسط دفاتر مراجع عظام قابل تشخیص و تدقیق نباشد. موارد فوق از عمده مشکلاتی بود که بر مصرف بیت‌المال و وجوهات شرعیة در موارد خود اختلال ایجاد کند که خود عین بی‌عدالتی در مصرف وجوهات شرعیة به حساب می‌آمد. با اعلام مرجعیت مرحوم حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی نقص کار تا حدودی در موارد مصرف برطرف شد؛ چون که ایشان باتوجه به این که برخاسته از متن جامعه افغانستان و مردم رنج‌کشیده جامعه خودش بود به خوبی با رنج مرارت، فقر و نیازمندی این مردم آشنایی داشت. شناخت از جامعه و اولویت‌بندی نیازمندیها، بر تصمیم‌گیری در مصرف بیت‌المال کمک می‌کند، همین موضوع زمینه بهتر عمل کردن در مصرف بیت‌المال شد. باتوجه به اشراف، شناخت دقیق و دقت عمل زعیم و مرجع عالی‌قدر حضرت آیت الله العظمی کابلی هم بر جمع‌آوری و هم بر مصرف بیت‌المال زمینه عملکرد عادلانه در این امر مهم را فراهم

آورد که خود نوع اجرای عدالت و عدالت‌محوری (اگر عدالت قرار دادن هرچیزی سر جای خودش تعریف شود)، بر مصرف وجوهات شرعیة و بیت‌المال است؛ زیرا با اجرای درست مصرف بیت‌المال و اولویت‌بندی آن، نقش مرجعیت در جامعه شیعی افغانستان، غیرقابل انکار و بلکه ضروری و از نیازهای مبرم این مردم و جامعه محسوب می‌شود. □

منابع:

۱. ساروخانی، (۱۳۸۰)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد دوم: بینشها و فنون، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. شرفی، م. (۱۳۷۰)، جوان و بحران هویت، ماهنامه سروش، شماره پنجم.
۳. - احمدی، ب. (۱۳۷۸)، معمای مدرنیته، تهران: نشرنی.
۴. اکبرزراع شاه‌آبادی، مهدی ابراهیم آبادی (۱۳۹۰)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۴.
۵. الطائی، علی (۱۳۷۸): «بحران هویت قومی در ایران»، نشرشادگان.
۶. _____، ص ۱۳۹.
۷. معین، محمد، فرهنگ معین، واژه عدل.
۸. معین، محمد (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی معین، (تهران، مؤسس، امیرکبیر)، ج ۲.
۹. حکیمی، محمد رضا (۱۳۷۶)، «حقوق و بنیاد اندیشه عدالت»، نقد و نظر، بهار و تابستان، ش ۲ و ۳.
۱۰. شمسایی، مریم، چالش‌های هویت ملی اسلامی ^{۹۴}، <https://www.sid.ir>
۱۱. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، <https://hawzah.net/fa/Magazine/View>
۱۲. آرین، ایوبی، بی بی سی فارسی، عبدالعلی مزاری؛ نگاهی به رهبر حزب وحدت اسلامی بعد از بیست سال، ۲۲ اسفند ۱۳۹۳.